

مقایسه نظام‌های تعرفه‌ای ایران با چند کشور منتخب عضو سازمان جهانی تجارت

میترا حسینی^۱

۱) مقدمه

تعرفه یا حقوق ورودی، یکی از ابزارهای مهم سیاست‌های حمایتی در تجارت بین‌الملل می‌باشد که بر کالاهایی که از مرزهای ملی یک کشور می‌گذرند وضع می‌شود. از مهمترین دلایل بکارگیری سیاست‌های حمایتی می‌توان به مواردی همچون حمایت از صنایع نوپا، مقابله با اقدامات دامپینگ، بهبود تراز پرداخت‌ها، حمایت از صنایعی که از نظر دفاع ملی دارای اهمیت هستند، کسب درآمد برای دولت و ... اشاره نمود. اصطلاح «حمایت» به مفهوم نوعی سیاست بازرگانی است که یک کشور اتخاذ می‌کند تا صنعت داخلی خود را با حمایت از تولیدات با هزینه تمام شده بالا در مقایسه با قیمت نسبی پایین واردات تشویق نماید. حمایت از طریق وضع حقوق گمرکی بر واردات و یا تحدید واردات با وضع سهمیه وارداتی صورت می‌گیرد.

در این گزارش ابتدا وضعیت تعرفه‌ای ایران به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفته و سپس با ویژگیهای مهم تعرفه‌ای ۶ کشور پاکستان، ترکیه، مالزی (به عنوان کشورهای همسایه و شرق دور)، ژاپن، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا (به عنوان کشورهای توسعه‌یافته) مقایسه می‌شود. در پایان برخی جداول به منظور روشن‌تر شدن موضوع آورده شده است.

۲) وضعیت تعرفه‌ای ایران

با تفکیک کل تعداد خطوط تعرفه در سال ۱۳۸۷ به محصولات کشاورزی و غیرکشاورزی، ۱۲/۳ درصد کل خطوط تعرفه (معادل با ۸۲۸ خط) به محصولات کشاورزی مربوط می‌شود و بقیه یعنی ۸۷/۷ درصد (برابر با ۵۹۳۱ خط) به محصولات غیرکشاورزی اختصاص دارد. میانگین نرخ حقوق ورودی محصولات کشاورزی در مقایسه با میانگین آن برای محصولات غیرکشاورزی در سال ۸۷ نسبت به سال ما قبل بیشتر کاهش یافته، چنانکه کاهش میانگین آنها به ترتیب ۱/۹۱ و ۰/۳۷ واحد درصد می‌باشد. میانگین کل نرخ حقوق ورودی طی همین مدت به میزان ۰/۵۶ واحد درصد کاهش یافته است و از ۲۵/۵۴ درصد

در سال ۸۶ به ۲۴/۹۸ درصد در سال ۸۷ رسیده است.

با بررسی درصد تعداد خطوط تعرفه کالاهای کشاورزی و غیرکشاورزی در مقابل نرخ حقوق ورودی مشخص می‌شود که در نرخهای حقوق ورودی پایین، بیشترین درصد تعداد خطوط تعرفه به محصولات غیرکشاورزی و در نرخهای حقوق ورودی بسیار بالا بیشترین درصد تعداد خطوط تعرفه به محصولات کشاورزی اختصاص دارد. برای مثال در نرخهای حقوق ورودی ۴ و ۱۰ درصد به ترتیب ۹۰ و ۹۳ درصد اقلام با تعداد خطوط به ترتیب برابر ۲۳۶۰ و ۶۶۵ خط به محصولات غیرکشاورزی و در نرخهای حقوق ورودی ۲۰۰،۹۰ و ۷۵ درصد، صددرصد خطوط تعرفه به ترتیب با تعداد ۵، ۱۴ و ۸ خط به محصولات کشاورزی مربوط می‌شود.

بیش از یک سوم از کل خطوط تعرفه یعنی ۳۴/۹ درصد به نرخ حقوق ورودی ۴ درصد اختصاص و بیش از نیمی از کل خطوط تعرفه یعنی ۵۳/۲ درصد به طبقات نرخهای حقوق ورودی بین ۴ و ۱۵ درصد تعلق دارد. همینطور ۷۳/۱ درصد از کل خطوط تعرفه به طبقات نرخهای حقوق ورودی بین ۴ و ۳۰ درصد مربوط و ۸۴/۴ درصد از کل خطوط تعرفه به طبقات نرخ حقوق ورودی بین ۴ و ۴۵ درصد تعلق دارد. همینطور ۹۴/۴ درصد از کل خطوط تعرفه به طبقات نرخهای حقوق ورودی بین ۴ و ۷۵ درصد اختصاص داشته و تنها ۵/۶ درصد از کل خطوط تعرفه به طبقات نرخهای حقوق ورودی باقیمانده یعنی بین ۷۵ و ۲۰۰ درصد مربوط می‌شود.

میانگین نرخ حقوق ورودی هر قسمت، مرتب شده از حداقل به حداکثر در سال ۱۳۸۷ در جدول ۱ نشان داده شده است. همانطور که از جدول مذکور مشخص است، کمترین میانگین نرخ حقوق ورودی به ترتیب به قسمت ۵ (محصولات معدنی) با میانگین نرخ حقوق ورودی ۸/۱ درصد، قسمت ۱۴ (مروارید طبیعی، سنگهای گرانها...) با میانگین نرخ حقوق ورودی ۱۰ درصد، قسمت ۶ (محصولات صنایع شیمیایی) با میانگین نرخ حقوق ورودی ۱۴/۳ درصد، قسمت ۱۰ (خمیر چوب...) با میانگین نرخ حقوق ورودی ۱۵/۹ درصد، ... و بیشترین میانگین نرخ حقوق ورودی به ترتیب به قسمت ۱۲ (کفش، کلاه، ... با میانگین نرخ حقوق ورودی ۷۵/۹ درصد، قسمت ۱۱ (مواد نسجی...) با میانگین نرخ حقوق ورودی ۶۰/۳ درصد و قسمت ۸ (پوست خام، پوست های نرم و اشیاء ساخته شده از این مواد...) با میانگین نرخ حقوق ورودی ۵۰/۹ درصد مربوط می‌باشد. همانطور که از آمارهای فوق مشخص است اختلاف بین حداقل و حداکثر میانگین نرخ حقوق ورودی بر اساس قسمت، زیاد می‌باشد و دامنه آن بین ۸/۱ درصد و ۷۵/۹ درصد قرار دارد.

جدول شماره ۱- میانگین، حداقل و حداکثر نرخهای حقوق ورودی ایران
به تفکیک قسمت‌های نظام هماهنگ در سال ۱۳۸۷

شماره قسمت	عنوان قسمت	تعداد خطوط تعرفه	حداقل نرخ حقوق ورودی (%)	حداکثر نرخ حقوق ورودی (%)	میانگین ساده حقوق ورودی سال ۱۳۸۷ (%)
۱	حیوانات زنده، محصولات حیوانی	۲۸۶	۴	۲۰۰	۱۹/۴
۲	محصولات نباتی	۳۳۷	۴	۲۰۰	۳۰/۸
۳	چربی‌ها و روغن‌های حیوانی یا نباتی	۶۲	۴	۸۰	۱۷/۴
۴	محصولات صنایع غذایی	۲۱۹	۴	۲۰۰	۳۴
۵	محصولات معدنی	۲۲۰	۴	۴۵	۸/۱
۶	محصولات صنایع شیمیایی یا صنایع وابسته به آن	۱۱۱۳	۴	۹۰	۱۴/۳
۷	مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از این مواد	۳۶۶	۴	۶۵	۱۶/۹
۸	پوست خام، پوستهای نرم و اشیاء ساخته شده از...	۷۱	۴	۹۰	۵۰/۹
۹	چوب و اشیاء چوبی، زغال چوب و...	۹۴	۴	۵۵	۲۳/۴
۱۰	خمیر چوب یا سایر مواد الیافی، سلولزی، کاغذ یا مقوا	۱۷۰	۴	۵۵	۱۵/۹
۱۱	مواد نسجی و مصنوعات از این مواد	۸۲۴	۴	۱۰۰	۶۰/۳
۱۲	کفش، کلاه، چتر آفتابی، عصا و...	۵۷	۴	۱۲۰	۷۵/۹
۱۳	مصنوعات از سنگ، گچ، سیمان...	۲۶۰	۴	۱۰۰	۲۸
۱۴	مروارید طبیعی یا پرورده، سنگهای گرانیتها...	۵۹	۴	۴۵	۱۰
۱۵	فلزات معمولی و مصنوعات آنها	۶۷۸	۴	۵۵	۱۷
۱۶	ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی، ادوات برقی، اجزاء و...	۱۱۵۹	۴	۸۰	۱۶/۵
۱۷	وسایل نقلیه زمینی، هوایی، آبی و...	۱۹۷	۴	۹۰	۲۵/۴
۱۸	آلات و دستگاههای اپتیک، عکاسی، سینماتوگرافی...	۳۰۷	۴	۱۰۰	۱۶/۶
۱۹	اسلحه و مهمات، اجزاء و قطعات و متفرعات آنها کالاهای و مصنوعات گوناگون	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰

۲۰	کالاها و مصنوعات گوناگون	۱۵۴	۴	۸۰	۳۲/۶
۲۱	اشیاء هنری، کلکسیون یا عتیقه	۱۰۶	۴	۹۰	۳۶/۱
	جمع کل	۶۷۵۹	۴	۲۰۰	۲۴/۹۸

مأخذ: مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن در سال ۱۳۸۷- شرکت چاپ و نشر بازرگانی - چاپ خرداد ۸۷

۳) خلاصه‌ای از وضعیت تعرفه ای ۶ کشور منتخب

پاکستان: پاکستان موفق شده است تعرفه‌هایش را در سطح بالا تثبیت نماید. اختلاف زیادی بین میانگین تعرفه تثبیت شده (Bound) و مورد عمل (Applied) وجود دارد. به طوری که رقم تثبیت شده در حدود ۶۰ درصد و رقم مورد عمل تنها ۱۴/۳ درصد است. این اختلاف در مورد محصولات کشاورزی با ارقام ۹۵/۶ درصد برای تثبیت شده و ۱۶/۳ درصد برای تعرفه‌های مورد عمل به اوج می‌رسد. این ارقام در مورد محصولات غیرکشاورزی به ترتیب ۵۴/۶ و ۱۴ درصد است که چشمگیر است.

عمده ۲۵ میلیارد دلار واردات پاکستان مربوط به محصولات غیرکشاورزی است به طوری که ۳/۲ میلیارد دلار از آن را محصولات کشاورزی تشکیل می‌دهد. بیش از ۹۰ درصد از ردیفهای تعرفه‌ای پاکستان در بخش کشاورزی در نرخهای ۵۰ تا ۱۰۰ درصد تثبیت شده‌اند اما در عمل بیش از ۶۰ درصد ردیفهای تعرفه با نرخ کمتر از ۱۵ درصد وارد می‌شوند. ۱/۸ درصد از ردیفهای تعرفه با نرخ بیش از ۱۰۰ درصد تثبیت شده‌اند اما در عمل با این نرخ، وارداتی صورت نمی‌گیرد. تمامی ردیفهای تعرفه‌ای در بخش غیرکشاورزی در کمتر از ۱۰۰ درصد تثبیت شده و در عمل تقریباً تمامی واردات با نرخ تعرفه‌ای کمتر از ۲۵ درصد انجام می‌گیرد. به طوری که بیش از ۷۰ درصد از ارزش واردات در این بخش با نرخ تعرفه‌ای کمتر از ۱۰ درصد انجام می‌شود.

مقایسه میانگین‌های تعرفه و تعرفه‌های حداکثر به تفکیک گروه‌های کالایی نشان دهنده سیستم تعرفه‌بندی هدفمند در پاکستان است. برای مثال در گروه میوه‌جات و سبزیجات میانگین تعرفه مورد عمل ۱۵/۴ درصد است در حالی که تعرفه حداکثر در این گروه ۱۱۹ درصد است. این ارقام در مورد گروه تجهیزات حمل و نقل ۲۸ درصد و ۹۰ درصد است که حاکی از حمایت بالا از ردیفهای خاص تعرفه به رغم پایین بودن میانگین تعرفه‌ها در آن گروه کالایی خاص می‌باشد. پاکستان تعرفه گمرکی صفر ندارد و میزان تعرفه‌های بالا

۱ - ارقام واردات مورد اشاره در این گزارش همه مربوط به سال ۲۰۰۶ می‌باشد.

نیز در حداقل ممکن است. به طور کلی این کشور پراکندگی کمتری در تعرفه‌ها نسبت به سایر کشورها دارد.

ترکیه: اختلاف بین تعرفه تثبیت شده و مورد عمل چشمگیر است. میانگین تعرفه‌های تثبیت شده ۲۸/۴ است اما اختلاف زیادی بین این رقم در مورد محصولات کشاورزی و غیرکشاورزی وجود دارد به طوری که ردیف‌های کشاورزی در سطح ۶۰/۱ درصد و غیرکشاورزی در سطح ۱۷ درصد تثبیت شده است. این ارقام در مورد میانگین تعرفه‌های مورد عمل به ترتیب ۴۲ و ۴/۷ درصد است که به مراتب تفاوت بیشتری را نشان می‌دهد، که بیانگر این است که ترکیه ضمن رقابت‌پذیر نمودن سایر بخش‌های اقتصادی حمایت بالایی از بخش کشاورزی خود به عمل می‌آورد در حالی که تنها ۴/۳ درصد از ارزش واردات این کشور مربوط به بخش کشاورزی است. با وجود این حمایت بالا ۱۷/۲ درصد از ردیف‌های کشاورزی با تعرفه گمرکی صفر، ۱۳/۲ درصد با تعرفه بالاتر از ۱۰۰ درصد و بقیه با نرخ بین صفر و ۱۰۰ وارد می‌شوند که نشانگر پراکندگی زیاد نرخ‌های تعرفه ورودی است. به نظر می‌رسد سیستم تعرفه‌بندی ترکیه توانسته است از برخی محصولات خاص کشاورزی حمایت مضاعفی به عمل آورد. این پراکندگی به میزان کمتر در مورد ردیف‌های غیرکشاورزی نیز صادق است.

پراکندگی نرخ‌های تعرفه با مقایسه میانگین تعرفه مورد عمل و تعرفه‌های حداکثر به تفکیک گروه‌های کالایی نیز مشاهده می‌شود. به طوری که در بسیاری از گروه‌ها ضمن وجود درصدی از واردات با تعرفه صفر، تعرفه حداکثر چندین برابر میانگین تعرفه مورد عمل است.

مالزی: در این مورد نیز اختلاف زیادی بین میانگین تعرفه‌های تثبیت شده و مورد عمل وجود دارد، اما این اختلاف در مورد محصولات کشاورزی بسیار زیاد است به طوری که میانگین تثبیت شده ۶/۵ برابر میانگین مورد عمل است. این رقم در مورد محصولات غیرکشاورزی ۲ برابر و در مورد کل محصولات ۳ برابر است. اما میانگین تعرفه‌های مورد عمل در مورد محصولات غیرکشاورزی و کشاورزی چندان متفاوت نیست. در حدود ۵ درصد از ارزش واردات متعلق به بخش کشاورزی است.

۷۰ درصد از ردیف‌های مربوط به کشاورزی با تعرفه گمرکی صفر وارد می‌شوند که رقم قابل توجهی است همچنین ۹۰ درصد از واردات این بخش با نرخ کمتر از ۱۰ درصد صورت می‌گیرد. ولی در عوض حمایت از یکسری محصولات خاص این بخش حتی تا بیش از ۱۰۰۰ درصد، میانگین تعرفه‌ها را به ۱۲/۳ درصد رسانیده است. برای مثال تعرفه

حداکثر در گروه‌های کالایی میوه‌ها و سبزیجات، دانه‌های روغنی و روغن‌ها و نوشیدنی‌ها و تنباکو در نرخ‌هایی بیش از ۱۰۰۰ درصد تثبیت شده است اما در عمل تنها در گروه نوشیدنی‌ها و تنباکو ردیف تعرفه بیش از ۱۰۰۰ درصد وجود دارد.

در مورد محصولات غیرکشاورزی ۵۵/۴ درصد از ردیف‌ها با تعرفه گمرکی صفر وارد شده و پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به گروه تعرفه‌ای ۱۵ تا ۲۵ درصد است که ۱۶/۲ از ردیف‌های تعرفه را در برمی‌گیرد. تعرفه حداکثر مورد عمل در بخش غیرکشاورزی از ۶۰ درصد تجاوز نمی‌کند.

ژاپن: مانند سایر کشورهای توسعه‌یافته اختلاف بین تعرفه مورد عمل و تثبیت شده ژاپن اندک است. میانگین تعرفه محصولات کشاورزی ۲۴/۳ و غیرکشاورزی تنها ۲/۸ درصد است. از ۵۰۸ میلیارد دلار واردات نیز ۱۰ درصد آن را محصولات کشاورزی تشکیل می‌دهند. ۳۵/۹ درصد از ردیف‌های کشاورزی با تعرفه گمرکی صفر، ۱۶/۹ درصد با تعرفه گمرکی تا ۵ درصد، ۱۶/۱ با تعرفه گمرکی ۵ تا ۱۰ درصد و ۵/۴ درصد با تعرفه بیش از ۱۰۰ درصد وارد می‌شوند، در مجموع واردات حدود ۸۰ درصد از محصولات کشاورزی با تعرفه کمتر از ۱۵ درصد صورت می‌گیرد.

تعرفه‌های حداکثر به تفکیک گروه‌های مختلف کالایی در بخش کشاورزی بسیار بالاتر از میانگین گروه کالایی مربوطه است. برای مثال در گروه محصولات حیوانی میانگین تعرفه مورد عمل ۱۵/۵ درصد و تعرفه حداکثر ۴۹۵ درصد است. همچنین در گروه میوه‌ها و سبزیجات با میانگین ۱۲/۹ درصد، تعرفه حداکثر به ۶۴۶ درصد بالغ می‌شود. که نشان‌دهنده حمایت بسیار زیاد ژاپن از برخی محصولات خاص است همچنین مویده هدفمند بودن سیستم تعرفه‌بندی این کشور است.

در بخش غیرکشاورزی ۵۵ درصد از ردیف‌های تعرفه با نرخ صفر درصد وارد می‌شوند. همچنین ۹۷ درصد از واردات با نرخ تعرفه ۱۰ درصد یا کمتر صورت می‌گیرد. تعرفه حداکثر به تفکیک گروه‌های کالایی ۲۵ درصد یا کمتر است و تنها در مورد گروه محصولات چرم و غیره به ۷۲۴ درصد بالغ می‌شود. جالب است که با چنین تعرفه بالایی میانگین تعرفه این گروه به علت واردات بیش از نیمی از محصولات با تعرفه صفر، تنها ۱۵ درصد است.

اتحادیه اروپا: اختلافی بین تعرفه مورد عمل و تثبیت‌شده وجود ندارد. میانگین تعرفه تثبیت‌شده و مورد عمل هر دو ۵/۴ درصد است این رقم در مورد بخش کشاورزی ۱۵/۱ و غیرکشاورزی ۳/۹ درصد است. تنها ۶ درصد از واردات ۱۳۹۵/۵ میلیارد دلاری این

اتحادیه را محصولات کشاورزی تشکیل می‌دهد. ۳۱/۱ درصد از ردیف‌های تعرفه در بخش کشاورزی با تعرفه گمرکی صفر وارد می‌شود، که ۴۳/۲ درصد از ارزش کل واردات این بخش را شامل می‌شود. این رقم در مورد بخش غیرکشاورزی ۲۸/۶ درصد است و سهم آن در ارزش واردات بیش از ۵۸ درصد است. ردیف‌های تعرفه کشاورزی پراکندگی زیادی در نرخ‌های مختلف دارند و سهم تعرفه‌های بالاتر از ۱۰۰ درصد کمتر از ۱ درصد است. تقریباً تمام واردات مربوط به بخش غیرکشاورزی با تعرفه کمتر از ۱۵ درصد انجام شده و کمتر از ۱ درصد از واردات با تعرفه‌های بین ۲۰-۱۵ درصد صورت گرفته است. اختلاف بین تعرفه حداکثر در گروه‌های کالایی کشاورزی و غیرکشاورزی چشمگیر است به طوری که این رقم در مورد کشاورزی ۲۱۹ و در مورد غیرکشاورزی تنها ۲۶ درصد است. تعرفه حداکثر در بخش کشاورزی مربوط به گروه محصولات حیوانی است. اما در همین گروه ۲۳/۲ درصد از ردیف‌ها با تعرفه صفر وارد شده و میانگین تعرفه نیز ۲۵/۴ درصد است. بیشترین حمایت تعرفه‌ای از گروه محصولات لبنی با میانگین ۵۳/۸ و کمترین حمایت از گروه پنبه صورت می‌گیرد به طوری که تمام محصولات این گروه با تعرفه گمرکی صفر وارد می‌شوند. در بخش غیرکشاورزی نیز بیشترین حمایت از ماهی و فرآورده‌های آن با میانگین ۱۰/۳ درصد و کمترین حمایت از گروه چوب و کاغذ با میانگین تعرفه ۱/۱ درصد صورت می‌گیرد.

ایالات متحده آمریکا: در بین کشورهای مورد بررسی ایالات متحده پایین‌ترین میانگین تعرفه را در هر دو بخش کشاورزی و غیرکشاورزی دارد. میانگین کل ۳/۵ درصد، محصولات کشاورزی ۵/۲ درصد و غیرکشاورزی ۳/۳ درصد است و میانگین تعرفه تثبیت‌شده با تعرفه مورد عمل یکسان است. با وجود تعرفه نسبتاً پایین محصولات کشاورزی، تنها ۴/۴ درصد از واردات این کشور متعلق به محصولات کشاورزی است که این امر با توجه به رقابتی بودن بخش کشاورزی در این کشور و همچنین جایگاه آن به عنوان قطب تولید، قابل توجیه است. ۳۴/۶ درصد از ردیف‌های تعرفه با سهم ۴۲ درصدی از ارزش واردات با تعرفه گمرکی صفر وارد می‌شود. با وجود اینکه ۹۴ درصد از واردات کشاورزی با نرخ کمتر از ۱۵ درصد صورت می‌گیرد، اما تعرفه‌های بالاتر از ۱۰۰ درصد نیز وجود دارند. در بخش غیرکشاورزی ۴۷/۳ درصد از ردیف‌های تعرفه بدون تعرفه گمرکی وارد شده و سهم تعرفه بالاتر از ۱۵ درصد تنها ۲/۴ درصد است. علیرغم وجود میانگین کم تعرفه‌ها، تعرفه‌های حداکثر در هر گروه کالایی قابل توجه است که نشان‌دهنده سیستم هدفمند تعرفه‌بندی به

منظور حمایت از محصولات خاص کشاورزی است. برای مثال حداکثر تعرفه در گروه نوشیدنی‌ها و تنباکو ۳۵۰ درصد، در گروه روغن‌ها و دانه‌های روغنی ۱۶۴ درصد و در گروه میوه‌ها و سبزیجات ۱۳۲ درصد است.

چنین سیستم حمایت هدفمندی در گروه‌های کالایی غیرکشاورزی نیز قابل مشاهده است به طوری که تعرفه حداکثر در گروه فلزات و مواد معدنی ۳۸ درصد و میانگین گروه ۱/۷ درصد و در گروه چرم و غیره این اعداد به ترتیب ۵۵ و ۴/۳ درصد است. در جداول ۲ تا ۴ ویژگیهای تعرفه‌های ایران با ۶ کشور پاکستان، ترکیه، مالزی، ژاپن، اتحادیه اروپا و آمریکا که همگی عضو سازمان جهانی تجارت هستند مقایسه شده است. در جدول ۲ همه ردیف‌های تعرفه‌ای مورد مقایسه قرار گرفته و جداول ۳ و ۴ به ترتیب به محصولات کشاورزی و غیرکشاورزی (مطابق با تقسیم‌بندی سازمان جهانی تجارت) می‌پردازد.

جدول ۲: مقایسه خصوصیات تعرفه‌های ایران با ۶ کشور منتخب در مورد کل محصولات

تعداد ردیف‌های تعرفه‌ای	حداکثر تعرفه %	سهم تعرفه‌های بالاتر از ۳ برابر میانگین %	سهم تعرفه بالاتر از ۱۵ %	سهم تعرفه صفر %	میانگین ساده تعرفه‌ها		در صد خطوط تعرفه‌ای تثبیت شده %	
					مورد عمل %	تثبیت شده %		
۶۷۵۹	۲۰۰	۵/۷	۴۶/۸	۰	۲۴/۹۸	۰	۰	ایران
۶۳۳۶	۱۱۹	۰/۹	۴	۰	۱۴/۳	۵۹/۹	۹۸/۷	پاکستان
۱۲۳۰۷	۲۲۵	۷/۶	۱۰/۳	۲۴/۴	۹/۶	۲۸/۴	۵۰/۲	ترکیه
۱۲۵۸۳	۱۰۰۰	۷/۳	۲۱/۸	۵۷/۴	۸/۵	۲۵/۱	۹۳/۷	مالزی
۸۸۶۴	۹۵۸	۳/۴	۳/۷	۵۲/۶	۵/۶	۶/۱	۹۹/۶	ژاپن
۱۴۱۸۶	۲۲۹	۴/۱	۴/۵	۲۹	۵/۴	۵/۴	۱۰۰	اتحادیه اروپا
۱۱۰۱۴	۳۵۰	۷/۵	۲/۸	۴۵/۶	۳/۵	۳/۵	۱۰۰	آمریکا

Source: WTO, World Tariff Profiles 2006.

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، به جز ایران که هنوز به عضویت سازمان جهانی تجارت در نیامده است، کشورهای دیگر موظف به تثبیت ردیف‌های تعرفه‌ای خود

بوده اند که از این میان اتحادیه اروپا و آمریکا بطور کامل، ژاپن ۹۹/۶، پاکستان ۹۸/۷، مالزی ۸۳/۷ و ترکیه ۵۰/۲ درصد از ردیف‌های تعرفه‌های خود را تثبیت نموده‌اند. در ستون بعدی میانگین ساده تعرفه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در کشورهای توسعه‌یافته نظیر ژاپن، اتحادیه اروپا، و آمریکا میانگین تعرفه‌های مورد عمل به مقدار تثبیت‌شده بسیار نزدیک بوده و یا با آن برابر است. اما در کشورهای در حال توسعه میانگین تثبیت‌شده چندین برابر میانگین مورد عمل است و به این کشورها امکان می‌دهد تا در صورت لزوم به افزایش تعرفه‌های مورد عمل اقدام نمایند. در مورد پاکستان این تفاوت به حداکثر می‌رسد. به طوری که میانگین تثبیت‌شده بیش از ۴ برابر میانگین مورد عمل است. میانگین تعرفه ایران نزدیک به ۲۵ درصد است که حتی با مقایسه با کشورهای در حال توسعه‌ای نظیر پاکستان و ترکیه با ۱۴/۳ درصد و ۹/۶ درصد رقم بالایی است. این تفاوت در مورد محصولات غیرکشاورزی در مقایسه با سایر کشورها بیشتر است. به جز ایران و پاکستان در سایر کشورها درصد قابل توجهی از واردات با تعرفه گمرکی صفر انجام می‌شود که به ترتیب مالزی با ۵۷،۴ درصد، ژاپن با ۵۲،۶ درصد، آمریکا با ۴۵/۶ درصد، اتحادیه اروپا با ۲۹ درصد و ترکیه با ۲۴/۴ درصد قرار دارند. ستون بعدی سهم تعرفه‌های بالاتر از ۱۵ درصد (که طبق تعریف سازمان جهانی تجارت تعرفه‌های بالا محسوب می‌شود) را نشان می‌دهد که به جز ایران و پاکستان با ۳۹ و ۴۰ درصد در کشورهای دیگر رقم به شدت کاهش می‌یابد. در ترکیه این رقم به ۱۰/۳ درصد و در کشورهای توسعه‌یافته به زیر ۱۰ درصد می‌رسد. این مسئله بیانگر این است که در دنیای امروز تعرفه بالاتر از ۱۵ درصد به عنوان تعرفه بالا تلقی می‌شود. ستون بعدی سهم تعرفه بالاتر از ۳ برابر میانگین (که طبق تعریف سازمان جهانی تجارت تعرفه‌های اوج یا فرازهای تعرفه‌ای اشمرد می‌شود) را نشان می‌دهد که ایران با ۵،۷ درصد در حد متوسطی قرار دارد. ستون بعدی نشان‌دهنده تعرفه حداکثر است. این ستون نشان می‌دهد که تقریباً تمام کشورها علی‌رغم اینکه میانگین تعرفه پایینی دارند اما تعرفه‌هایی هم دارند که بسیار بالاست. برای مثال تعرفه حداکثر در مالزی بیش از ۱۰۰۰ درصد است. در ژاپن تعرفه حداکثر ۹۵۸، در آمریکا ۳۵۰، در اتحادیه اروپا ۲۲۹ و در ترکیه ۲۲۵ درصد است. در ایران تعرفه حداکثر ۲۰۰ درصد است. ستون بعدی نمایانگر تعداد ردیف‌های تعرفه‌ای در هر کشور است که بعد از پاکستان ایران کمترین تعداد را دارد.

در جدول ۳ و ۴ مطالب قبل به تفکیک محصولات کشاورزی و غیرکشاورزی ارائه شده است. در همه کشورها تعرفه محصولات کشاورزی نسبت به محصولات غیرکشاورزی بیشتر است و این اختلاف در برخی از کشورها نظیر ژاپن، ترکیه و اتحادیه اروپا به حداکثر

می‌رسد. به طوری که در ترکیه و ژاپن میانگین تعرفه مورد عمل محصولات کشاورزی ۹ برابر این رقم در محصولات غیرکشاورزی است. این رقم در مورد اتحادیه اروپا تقریباً ۴ برابر است. در ایران کمترین اختلاف بین میانگین تعرفه‌ها در دو بخش وجود دارد. در بخش غیرکشاورزی، ایران بالاترین میانگین تعرفه را به خود اختصاص داده است که به میزان ۲۴/۶۱ درصد است و این رقم با رتبه بعدی یعنی پاکستان با میانگین ۱۴ درصد اختلاف زیادی دارد. در بقیه کشورها این میانگین کمتر از ۱۰ درصد است. البته بسیاری از کشورهای در حال توسعه موفق شده‌اند تعرفه‌های خود را در سطح بسیار بالایی تثبیت نمایند اما این امکان برای کشورهایی که جدیداً به عضویت سازمان در می‌آیند بعید به نظر می‌رسد.

جدول ۳: مقایسه خصوصیات تعرفه‌های ایران با ۶ کشور منتخب در مورد محصولات کشاورزی

سهم ردیف‌های تعرفه کشاورزی از کل ردیف‌های تعرفه	تعداد	سهم %	حداکثر تعرفه %	سهم تعرفه بالاتر از ۳ برابر میانگین %	سهم تعرفه بالاتر از ۱۵ %	میانگین ساده تعرفه‌ها		
						مورد عمل	تثبیت شده %	
۸۲۸	۱۲/۳	۲۰۰	۳/۵	۴۲/۷	۰	۲۷/۶۱		ایران
۸۰۳	۱۲/۷	۱۱۹	۲/۵	۳۸/۸	۰	۱۶/۳	۹۵/۶	پاکستان
۲۳۰۵	۱۸/۷	۲۲۵	۱۰/۷	۶۰/۲	۱۷/۲	۴۲	۶۰/۱	ترکیه
۱۵۶۴	۱۲/۴	۱۰۰۰	۴/۵	۸/۵	۷۰	۱۲/۳	۷۹/۷	مالزی
۱۶۵۵	۱۸/۷	۹۵۸	۵/۷	۲۳/۲	۳۵/۹	۲۴/۳	۲۸/۴	ژاپن
۳۱۳۸	۲۲	۲۲۹	۸/۶	۲۸/۶	۳۱/۱	۱۵/۱	۱۵/۴	اتحادیه اروپا
۱۶۱۹	۱۴/۷	۳۵۰	۵/۷	۵/۹	۳۲/۹	۵/۳	۵/۲	آمریکا

Source: WTO, World Tariff Profiles 2006.

در بخش کشاورزی نیز بعد از ترکیه، ایران بالاترین میانگین تعرفه را دارد. ترکیه توانسته است با امتیاز دادن در بخش غیرکشاورزی، حمایت تعرفه‌های بالایی از بخش کشاورزی خود به عمل آورد. بعد از ترکیه و ایران، به ترتیب ژاپن، پاکستان، اتحادیه اروپا، مالزی و آمریکا قرار دارند.

جدول ۴: مقایسه خصوصیات تعرفه‌ای ایران با ۶ کشور منتخب
در مورد محصولات غیر کشاورزی

حد اکثر تعرفه %	سهم تعرفه بالاتر از ۳ برابر میانگین %	سهم تعرفه بالاتر از ۱۵ %	سهم تعرفه صفر %	میانگین ساده تعرفه‌ها		درصد خطوط تعرفه‌ای تثبیت‌شده	
				مورد عمل %	تثبیت‌شده %		
۱۲۰	۵/۷	۳۸/۴۶	۰	۲۴/۶۱	۰	۰	ایران
۹۰	۰/۷	۴۰/۲	۰	۱۴	۵۴/۶	۹۹/۱	پاکستان
۸۲	۲/۹	۲/۸	۲۵/۵	۴/۷	۱۷	۴۲/۵	ترکیه
۶۰	۱۲/۳	۲۳/۸	۵۵/۴	۷/۹	۱۴/۹	۸۱/۳	مالزی
۷۲۴	۷	۰/۸	۵۵/۱	۲/۸	۲/۷	۹۹/۶	ژاپن
۲۶	۷/۳	۰/۹	۲۸/۶	۳/۹	۳/۹	۱۰۰	اتحادیه اروپا
۵۵	۸/۶	۲/۴	۴۷/۵	۳/۳	۳/۳	۱۰۰	آمریکا

Source: WTO, World Tariff Profiles 2006.

به جز ایران و پاکستان سایر کشورها سهم قابل توجهی از واردات خود را خصوصاً در مورد محصولات غیرکشاورزی با تعرفه صفر انجام می‌دهند. بطوری که در مالزی و ژاپن بیش از نیمی از واردات غیرکشاورزی با تعرفه صفر صورت می‌گیرد. این رقم در آمریکا کمی کمتر از نصف و در اتحادیه اروپا و ترکیه به ترتیب ۲۸/۶ و ۲۵/۵ درصد است. در بخش کشاورزی مالزی، عوارض گمرکی ۷۰ درصد از واردات صفر است. پس از آن ژاپن با ۳۵/۹ درصد و سپس آمریکا، اتحادیه اروپا و ترکیه جای دارند.

سهم تعرفه‌های بالاتر از ۱۵ درصد ایران در مقایسه با سایر کشورها خصوصاً در بخش غیرکشاورزی بسیار بالاست. پاکستان با ۴۰ درصد سهم تعرفه‌ای بالاتر از ۱۵ درصد از کل تعرفه‌ها رتبه اول و پس از آن ایران با ۳۸/۴۶ درصد قرار دارد. پس از ایران، مالزی با اختلاف زیاد به میزان ۲۳/۸ درصد و پس از آن ترکیه با ۲/۸ درصد، آمریکا با ۲/۴ درصد و ژاپن و اتحادیه اروپا با سهم کمتر از ۱ درصد قرار دارند. این رقم در بخش کشاورزی بالاتر است. بطوریکه ۶۰ درصد از ردیف‌های تعرفه‌ای ترکیه در بخش کشاورزی بالاتر از ۱۵ درصد هستند. باز هم اختلاف زیاد سطح حمایت از محصولات کشاورزی و غیرکشاورزی ترکیه آشکار است. پس از ترکیه ایران در مقام دوم قرار دارد. این میزان برای ایران حدود ۴۲/۷ درصد است. کشورهای پاکستان با ۳۸/۸ درصد، اتحادیه اروپا با ۲۸/۶ درصد، ژاپن با ۲۳/۲ درصد و مالزی با ۸/۵ درصد و آمریکا با ۵/۹ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در همه کشورها تعرفه حداکثر متعلق به محصولات کشاورزی است. در برخی کشورها

مانند مالزی و ژاپن این تعرفه‌ها بسیار بالاست. در مالزی تعرفه حداکثر به بیش از ۱۰۰۰ درصد می‌رسد. در ژاپن این مقدار به ۹۵۸ درصد بالغ می‌شود. در سایر کشورها به جز پاکستان تعرفه حداکثر از ایران بیشتر است. همانطور که ملاحظه می‌شود، سایر کشورها با وجود میانگین نسبتاً پایین تعرفه‌ها، حداکثر تعرفه را در سطح بالایی تعیین نموده‌اند که نمایانگر رقابت‌پذیری در سایر محصولات و حمایت بسیار زیاد از یک یا چند محصول خاص کشاورزی است.

از مقایسه فوق به خوبی مشاهده می‌شود که نظام تعرفه‌ای ایران در مقایسه با کشورهای مورد بررسی از نظامی هدفمند پیگیری نمی‌کند و هنوز حساسیت‌های خاص کالایی در بخش کشاورزی و غیرکشاورزی خود را شناسایی نکرده است تا با حمایت هدفمند تعرفه‌ای از یک سو و کاهش یا صفر کردن تعرفه‌های غیرضروری از سوی دیگر میانگین تعرفه‌های وارداتی خود را متعادل‌تر نماید.

کتابنامه

مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن در سال ۱۳۸۷، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، خرداد ۱۳۸۷.

World Trade Organization (2006) **World Tariff Profiles**, Geneva: WTO Publications.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی